

آچارکشی

سیاست جارو



پوریا عالمی

● توی اینترنت فیلمی دست‌به‌دست می‌شود که مأموران بساط محقر لبسوی لیوفروش را واژگون می‌کنند و بعد می‌روند پی کارشان. چندوقت پیش هم داشتیم از سر پل تجریش تا میدان قدس قدم می‌زدم که دیدم مأموران مربوطه مشغول پاک‌سازی سدمعبرکنندگان هستند. مدل پاک‌سازی‌شان هم شما را یاد فیلم ارباب حلقه‌ها می‌انداخت. توی سبزه‌میدان بازار تهران هم جلیقه تن مردانی آرنولدیهیت کرده‌اند که اگر کسی بساط کرد بسطش دهند و ضبطش کنند.

به نظر ما این اقدامات خیلی اقدامات خوبی است. این دستفروش‌ها و خرده‌فروش‌ها جای اینکه بروند سر شغل‌های نان و آب‌داری که مسئولان برای‌شان ساخته‌اند، می‌آیند کنار خیابان و بساط می‌کنند. آن هم حالا که موسم انتخابات است و باید شهر قشنگ باشد.

مثلا طرف صبح جای اینکه تیپ بزند و برود سر کار آپرومندانه‌اش، لباس‌کهنه‌هاش را می‌پوشد و می‌آید کنار خیابان و جوراب می‌فروشد. معلوم است که این آدم خوشی زده زیر دیش و از زندگی اعیانی‌اش خسته شده. اصلا همین پارانه سبب شد آدم‌ها دیگر نروند سر کار و جاش بیایند توی خیابان بساط کنند.

در کل ما معتقدیم سیاست کلی حل مشکلات اجتماعی، جاروزدن است، عرض می‌کنم چطور؛ دیدید وقتی حوصله نداشت، خانه را که جارو می‌کنید آشفال‌ها را می‌ریزید زیر فرش؟ سیاست کلی حل مشکلات اجتماعی ما همین است. دولت و شهرداری هم ندارد. کارت‌خواب‌ها را چی کار کنیم؟ از خیابان‌های بالاشر جارو بزنیم به سمت پایین‌شهر. معتادا را چه کار کنیم؟ از پارک‌های پایین‌شهر جارو بزنیم سمت خارج شهر. کودکان کار خیابان‌های بالاشر را چه کار کنیم؟ از خیابان جارو بزنیم به سمت کارگاه‌های کار سخت در خیابان‌های جنوب شهر. لیوفروش را چه کار کنیم؟ جارو بزنیم لبوهاش بریزد توی جوب و خلاص. می‌بینید؟ در وضعیتی به‌سر می‌بریم که حواست نباشد یکهو جارو زدن و رفتی زیر فرش. به‌هرحال همه خسته نباشند بابت جاروزدن.

پنجره رو به خیابان

شهر پاک و شهروند سالم



سیدمحسن هاشمی

● به انتهای خیابان آنتیپ، ایستگاه قطار شهر ساحلی کن می‌روم. یک بلیت رفت‌وبرگشت یک‌روزه به مقصد پاریس می‌خرم. موضوع رفتن به پاریس را به هیچ‌یک از همراهانم نمی‌گویم، فقط جمال امید، مدیر ارشدم را در جریان می‌گذارم. او هم یکی، دو جا را پیشنهاد می‌کند تا حتما در پاریس بازدید کنم. قطارم پس از گذشتن از ساحل و دشت و با طی چهارساعت‌ونیم به پاریس می‌رسد. این نخستین دیدار من از شهر زیبای پاریس است. با پیاده‌شدن از «قطار ت ژ و» در ایستگاه لیون، یکر است به سمت ایستگاه مترو می‌روم تا خودم را به موزه لوور برسانم. بعد از یک‌بار پیاده و سوار شدن از مترو به ایستگاه ریولی می‌رمس و از پله‌های ایستگاه بالا می‌آیم تا خودم را به ورودی موزه برسانم. نخستین چیزی که در مواجهه با خیابان‌های پاریس نظرم را جلب می‌کند، لمپوست برنهایی است که با نشان شهرداری پاریس، شهروندان را به خوب‌خوردن دعوت می‌کند. تبلیغاتی آگاهی‌بخش با گرافیکی زیبا که شهروندان را ترغیب می‌کند تا از میوه، سبزیجات تازه و خوراکی‌های غیرصنعتی در سبد روزانه غذایی‌شان استفاده کنند. حالا چند روزی است از خانه که خارج می‌شوم تا به سرکار برسم با چندین تابلو بر روی عرشه پل‌ها و بلیبورد‌های خیابانی مواجه می‌شوم که شهروندان را به مراقبت از سلامت‌شان دعوت می‌کند؛ احساس خوب توجه به شهروندی (و نه خودرو و تبلیغات تجاری) و چه رویداد شایسته و بهنگامی! پس از اجرای رویداد هنری نگارخانه‌ای به وسعت شهر با استفاده از سازه‌های تبلیغاتی شهر، این اقدام تازه سازمان زیباسازی در توجه به تندرستی شهروندان، بارقه‌امیدی است در تدبیر شهر و شهروندی در مدیریت شهری تهران. تا باد چنین‌باد!



شرق روزنامه

پنجشنبه ۲۴ دی ۱۳۹۴ • ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۴۳۷ • ۱۴ ژانویه ۲۰۱۶ • سال سیزدهم • شماره ۲۴۹۵ • ۲۰ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۲:۱۳ • اذان مغرب ۱۷:۳۲ • اذان صبح فردا ۵:۴۵ • طلوع آفتاب ۷:۱۴

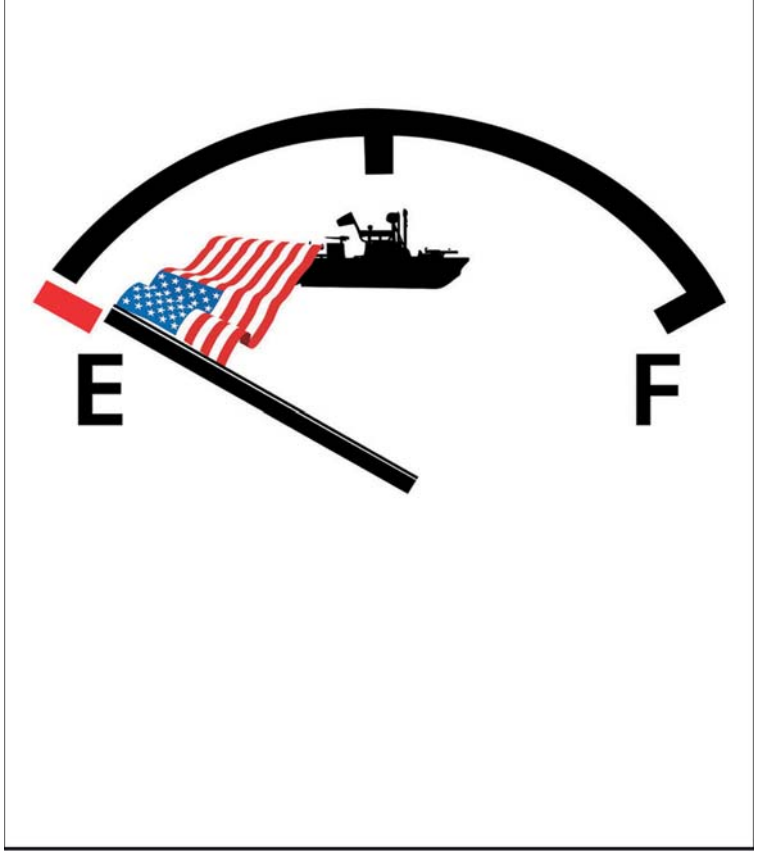
روزنامه‌فردا

کارتون خواب



علی رومانی
aliromani84@gmail.com

یک مقام آمریکایی: قایق های ما بنزین تمام کرده بودند



تخته سبز

طرح‌های شکست‌خورده تمامی ندارند

اینجا به‌جای جنگل، باغ می‌کارند!



مژگان جمشیدی

به طور متوسط دولت هر سال بیش از ۲۳۳ هزار هکتار از اراضی ملی کشور را واگذار می‌کند یا متصرفان این اراضی را صاحب می‌شوند. این را آمارهای وزارت جهاد کشاورزی می‌گوید. «واگذاری و تصرف بیش از هفت میلیون هکتار از اراضی ملی کشور در سه دهه اخیر!» دراین‌میان سهم واگذاری‌های قانونی که عمدتاً به بهانه توسعه کشاورزی بوده، رقمی معادل پنج میلیون هکتار است و دو میلیون دیگر متعلق به تصرفات غیرقانونی است. در تمامی این موارد آنچه از بین رفته عرصه‌های جنگلی و مرتعی کشورمان بوده که تغییرکاربری یافته و به باغ و ویلا و زمین زراعی متروکه و...



آن قرار است بیش از ۸۰۰ هزار هکتار از اراضی ملی کشور واگذار شده تا در آن درختان منمر و باگی کشت شود. مشابه این طرح در سال‌های گذشته با عناوین پرمطمراق طوبی، فلاحت در فراغت، باغشهر و... امتحان خود را به بدترین شکل ممکن پس داده‌اند. طرح‌های شکست‌خورده‌ای که تنها موجی از تخریب‌ها و تصرفات و ویلاسازی‌ها را در کشور دامن زدند. باین‌حال و با علم به اینکه مشاور معاون‌اول رئیس‌جمهوری بارها توسعه بی‌رویه کشاورزی در کشور را باعث بحران آب و تخلیه بیش از ۸۰ درصد منابع آب زیرزمینی دانسته است، اما انکار قرار نیست تغییری در رویکرد توسعه کشاورزی کشور ایجاد شود؛ چراکه همچنان افزایش سطح زیرکشت و تخریب‌گسترده جنگل‌ها و مراتع، سیاست قالب برنامه‌ریزان دولتی در بخش کشاورزی است. سیاستی که به گواه در بخش کشاورزی

سلام به فردا

تحرك اجتماعی؛ ضرورت پسابرجام



سعيد معيدفر
جامعه‌شناس

کمتر از یک هفته دیگر برجام اجرایی می‌شود. اتفاقی که همه مردم ایران منتظرش هستند و معتقدند بر همه حوزه‌های حیات آنها مؤثر است. اما باید گفت تأثیراتش بر حوزه اجتماعی کم است و اتفاقاً برعکس به‌نتیجه‌رسیدن آثار برجام نیازمند حل برخی مشکلات اجتماعی امروز ما از طریق ایجاد تحرک اجتماعی است. اجرای برجام به این دلیل که به رفع تحریم‌های اقتصادی منجر خواهد شد، پیش از سایر حوزه‌ها بر حوزه اقتصادی تأثیر خواهد داشت. این اتفاق به تغییر زندگی مردم منجر خواهد شد، اما به خودی خود نمی‌تواند پیامدهای اجتماعی گسترده‌ای داشته باشد؛ زیرا از ابتدا نیز مسئله هسته‌ای ایران به

خطاب‌مبحث

نقشه‌های رؤیابینی



مرضيه رسولي

● هم‌زمان که مردم در آمریکا دارند برای یکی از بزرگ‌ترین بخت‌آزمایی‌ها بلیت می‌خرند، روی گواشی‌ام پیغام آمد: «خط شما رو (شماره ختم را نوشته بود) تا ۹۵ میلیون تومن می‌خرم. مال شماست؟ آخه می‌گن قراره تو قرعه‌کشی جایزه یه‌میلیاردریالی جشنواره شرکت کنه! یک رو بفروست اول بری شارژ رایگانو بگیري بیای. اینهمه هیجان، جایزه و... دیکه چی می‌خوای». لحن بد و بیخودی خودمانی پیغام، اینکه آن‌قدر داشت به جای من از گرفتن شارژ رایگان خوشحالی می‌کرد، عصبانی‌ام کرده بود. این تب بی‌خیالی آزاردهنده حالا به تبلیغات هم رسیده. بی‌هوا دست می‌اندازند دور گردنت و صورتت را می‌چرخانند طرف خودشان و توی صورتت هـا می‌کنند و می‌خندند و فکر می‌کنند تو از این بی‌ملاحظگی خوشست می‌آید. می‌خواستم برای اولین‌بار جواب پیغام تبلیغاتی را بدهم که جلوی خودم را گرفتم.

در ۴۴ ایالت آمریکا مردم برای خرید بلیت بخت‌آزمایی پاوربال صف کشیده‌اند. در بعضی جاهای دیگر دنیا هم می‌شود بلیت را خرید. جایزه‌ای که رسیدن به آن رؤیای خیلی‌هاست، به بالاترین مبلغ در تاریخ خود رسیده. به برنده یک‌ونیم بیلیون دلار تعلق می‌گیرد اما بخت برنده‌شدن در آن، یک در ۲۹۲ میلیون است. به قول شبکه ای‌بی‌سی‌نوز، احتمال اینکه در صف خرید پاوربال بر اثر اثر و برق کشته شوید، خیلی بیشتر از این است که برنده جایزه‌اش باشید. پس چرا این همه آدم بلیتش را می‌خرند و در شب اعلام شماره برنده، بی‌تاب می‌شوند و خوابشان نمی‌برد؟ از آن طرف، نیویورک‌تایمز به مردم راهکار می‌دهد که اگر برنده جایزه شدند، چه‌کار کنند که مالیات کمتری بپردازند. من که از پیغام تبلیغاتی برای شرکت در قرعه‌کشی صدمیلیون‌تومانی عصبانی می‌شوم، آیا اگر امکان خرید این بلیت را داشتم وسوسه نمی‌شدم؟ پول به این زیادی (چند برابر بودجه سالانه یک ایالت در آمریکا) این صف عریض و طویل و آن همه مشتاق برای چیزی که برنده‌شدن در آن تقریباً محال است، آدم را وسوسه می‌کند.

دوست داری ببینی آن معجزه بزرگ درمورد تو اتفاق می‌افتد یا نه. و چون قطره کوچکی در این دریا هستی، هیچ چیز هم نمی‌تواند مانعت شود که بلیت را بخری. تقلب می‌شود؟ خب بشود. یک نفر یک عالم بلیت خریده و بخت برنده‌شدنش بیشتر از توسـت و تو همین یک دانه بلیت را در دست داری؟ چه اهمیت. برای بعضی هرچقدر معجزه‌ای دست‌نیافتنی‌تر باشد، مشتاق‌ترشان می‌کند. از خرید بلیت ضر خاصی نمی‌کنند، در طول چند هفته سرگرم هم می‌شوند و حتی برای چند روز می‌توانند تصور کنند که برنده جایزه‌اند. می‌توانند روزها در رؤیا زندگی کنند و برای ثروتمشان نقشه بکشند. به خانواده و دوستانشان بگویند اگر برنده شدم، فلان قدرش را به تو می‌دهم و دوستانشان را خوشحال و درگیر ماجرا کنند. در فاصله خرید بلیت تا اعلام نتیجه، انگار رؤیا درموردشان محقق می‌شود و هنوز چیزی نشده، با زمین فاصله می‌گیرند. با شرکت در قرعه‌کشی، رؤیا نزدیک‌تر می‌شود و آدم را معتاد می‌کند و احتمالاً همین باعث می‌شود در صف خرید بلیت بخت‌آزمایی، پای ثابت باشی یا فوری در بانکی که به قید قرعه جایزه می‌دهی، اهدا می‌کند، حساب باز کنی یا کارت قرعه‌کشی فلان محصول را نگه داری و در همه فهرست‌ها دنبال اسم خودت بگردی. آن که به معجزه اعتقاد دارد، لحن نامناسب هیچ‌کس هم نوسانی در اعتقادهـش ایجاد نمی‌کند.

موضوعی سیاسی با تبعات اقتصادی تبدیل شد و چانه‌زنی سیاسی با قدرت‌های جهانی بهترین راه برای حل آن قلمداد شد که نهایتاً هم با توافق ایران با پنج قدرت جهانی، به نتیجه رسید، اما در این مدت، یعنی دو سالی که مذاکرات هسته‌ای ادامه داشت، رکود شدیدی در حوزه اجتماعی جریان داشت. البته باید اشاره کرد این رکود ناشی از رویدادهای هشت سال پیش از دولت یازدهم بود، ولی در این دو سال نیز این رکود شدید در حوزه اجتماعی به شکل بی‌انگیزگی گسترده در تمام نهاد‌های اجتماعی از سازمان‌ها و ادارات گرفته تا دانشگاه‌ها و رسانه‌ها ادامه پیدا کرد. رختی که از آن یاد کردم الزاماً محصول تحریم نیست، بلکه ناشی از تعطیل‌شدن فعالیت‌های مدنی و بی‌رـمق‌شدن بدنه جامعه مدنی است که بار اصلی تحرک اجتماعی را به دوش می‌کشد. رکود فقط بی‌انگیزگی و کم‌تحرکی را به دنبال ندارد، بلکه خود بر دیگر مسائل اجتماعی نظیر آسیب‌های اجتماعی

گزارش فردا

درآمدهای میلیونی از کجا می‌آیند؟

استفاده از غم و شادی مردم یا هرچ‌ومرج بازار

مراجعه برای تعمیر خودرو هم کم و محدود به موارد خیلی خاص می‌شود». با وجود این «حسین اکبری»، از اعضای کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران اعتقاد دیگری دارد. او به «شرق» می‌گوید باوجود رکود در بازار کشور، می‌توان انتظار درآمدهای نجومی بخشی از مشاغل را داشت. اکبری اضافه می‌کند: «وقتی کنترلی بر قیمت‌گذاری‌ها وجود نداشته باشد و هر جایی برای خودش تعرفه‌ای برای ارائه خدمات داشته باشد، چنین وضعی به وجود می‌آید؛ زیرا تعرفه‌ها از طریق ارائه فاکتور شفاف‌سازی نمی‌شود و به همین دلیل ممکن است برخی رقم‌های بسیار بالایی از مشتریان بگیرند. از مواردی که حتماً شما هم در جامعه به آن برخورد کرده‌اید این است که ممکن است به یک دندان‌پزشکی در خیابان میرداماد مراجعه کنید و رقمی از شما برای ارائه خدماتی دریافت کند و بعد به یک دندان‌پزشکی دیگر در مناطق جنوبی شهر مراجعه کنید و مبلغی که پرداخت می‌کنید یک‌سوم یا یک‌چهارم رقم دندان‌پزشکی قبلی باشد. این اتفاق به‌دلیل نبود کنترل و نظارت می‌افتد و مخصوصاً درباره مشاغلی چون دندان‌پزشکی، جراحی زیبایی و آرایشگری بیشتر هم هست». این عضو کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران همچنین می‌گوید: «درباره برخی دیگر از مشاغل، مثل طراح لباس عروس که می‌توان آنها را مشاغل فانتزی نامید، وضعیت به این شکل است که معمولاً این نوع مشاغل از جوروانی و هیجانی که مردم در مواقع شادی یا غم دارند، استفاده می‌کنند. در شرایط هیجانی پول همیشه را از دست می‌دهد و ممکن است خرج‌های میلیونی اتفاق بیفتد. شما همین وضعیت را درباره فروش مشاغل محل دفن هم می‌بینید که استفاده از شرایط روانی خاص مردم در زمان عزاست». اکبری همچنین «نبود رقابت را که باعث بالا رفتن کیفیت و پایین‌آمدن قیمت» در برخی از مشاغل می‌شود از دلایل دیگر خرج‌ها و درآمدهای میلیونی و میلیاردی می‌داند.

همین حوالی

حال خرمشهر خوب نیست

هیچ‌کدام از ادارات دولتی را تعطیل نکردیم ولی حالا با وجود اینکه خرمشهر از بهترین منابع برخوردار است، در بدترین شرایط زندگی می‌کنیم و صدامیان هم درمی‌آیند». باوجوداین «مصطفی‌مطوزری» نماینده خرمشهر در دوره‌های پنجم، ششم، هفتم و هشتم مجلس شورای اسلامی، معتقد است که نباید در انتقاد به وضعیت فعلی شهر تدروی کرد. او به «شرق» می‌گوید: «برخی از انتقاداتی که به وضعیت فعلی شهر می‌شود بجاست اما برخی دیگر نه. برای مثال در حال‌حاضر خرمشهر به‌لحاظ خدمات شهری وضعیت مناسبی ندارد. همین دو روز پیش، باران بارید و آب‌های سطحی چنان جاری شد که امکان تردد در شهر وجود نداشت. اما در کنار این باید توجه داشت که درحال‌حاضر خرمشهر ۲۰۰هزار نفر جمعیت دارد. این نشان می‌دهد که این شهر از بسیاری از امکانات برخوردار است و می‌تواند پاسخ‌گوی نیاز این جمعیت باشد». او در پاسخ به این سؤال که وضعیت بازسازی شهر چگونه است، می‌گوید: «نمی‌توان گفت که شهر به‌هیچ‌وجه بازسازی نشده ولی بازسازی‌ها ضعیف بوده است. یکی از منابع اصلی شهر نخیلات است که کشاورزی اصلی هم محسوب می‌شود، نخیلات پس از جنگ هنوز احیا و بازسازی نشده‌اند. همچنین آبراه الوند که یکی از شریان‌های اصلی کشور و یکی از مجاری اصلی تجارت هم هست هنوز به وضعیت سابق خود برگشته است. این البته به این دلیل است که طرف عراقی به مفاد معاهده ۱۹۷۵ عمل نکرده و اگر دستگاه دیپلماسی کشور در این زمینه اقدام کند، می‌تواند باعث رونق شهر شود».

جنگ ۳۸ روزه که به جنگ ۴۰ روزه هم معروف است،